

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تأکید مجدد بر اهمیت حضور قلب در نماز

بارها گفتیم نماز چه منزلت والا و جایگاه بلندی دارد. اما شرط کلیدی راهیابی به این عظمت، این است که انسان با توجه نماز بخواند تا نماز تأثیر سازنده‌اش را روی او بگذارد؛ معراج‌آفرین باشد؛ قرب‌آفرین باشد؛ وصال‌آفرین باشد. امیدواریم خدای متعال توجه و حضور قلب در نماز را به ما روزی کند. گفتیم به چه روشی می‌شود گام به گام به حضور قلب کامل‌تر نزدیک شد. امیدواریم خدا توفیق دهد این تمهیدات را به کار بندیم و نمازهایمان نمازهای با روح و با توجهی باشد.

این نکته را هم گفتیم که هیچ کس خودش به حقیقت نماز نمی‌رسد؛ بلکه باید از خدا گدایی کند؛ از اهل بیت گدایی کند؛ بخواهد خدا نماز حقیقی به او روزی کند. همان‌طور که در بحث طهارت اشاره کردیم؛ تقلاهای ما جز دو خاصیت ندارد. در همه‌ی عبادات و طاعات هم همین است. تقلاهای ما از یک سو ما را از حجاب فاعلیت خودمان نجات می‌دهد؛ یعنی ما را از این اشتباه که فکر کنیم خودمان هنری داریم و می‌توانیم کاری از پیش ببریم؛ بیرون می‌آورد و از این توهم نجات می‌دهد. چون وقتی همه‌ی زورهایمان را زدیم و آخرش دیدیم هیچ نشد؛ آن وقت می‌فهمیم که ما کاره‌ای نیستیم. این یک حُسنِ تقلاً کردن است. گفتیم باید تمام توانمان را به کار بندیم تا به این فهم برسیم. حسن دوم تقلاً کردن‌های ما این است که تقلاً خود یک نوع ابراز و اظهار نیاز به زبان عمل است. یک وقت من با زبان، دعا می‌کنم و از خدا چیزی را می‌خواهم؛ اما یک وقت رفتار من حرف می‌زند و با رفتارم چیزی را از خدا درخواست می‌کنم. تقلاهای ما در طاعات و عبادات، دعای به زبان رفتار و عمل خود می‌گوییم: خدایا ما دوست داریم نماز واقعی بخوانیم. دوست داریم وضوی کامل و واقعی بگیریم و خداوند هم این خواست و دعا را اجابت می‌کند. خصوصاً وقتی ما به این رسیدیم که هیچ کاری از ما بر نمی‌آید؛ و این اضطرار ما با دعای با زبان عمل توأم شد. طبیعتاً با دعای به

زبان ظاهر هم اضطرار خودمان را اظهار می‌کنیم. «**أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ**»
خدای متعال این دعا را اجابت می‌کند؛ و در پی آن، روزه‌ی حقیقی، نماز حقیقی، حج حقیقی،
عبادت و طاعت حقیقی را نصیب چنین انسان عابدی می‌کند. والاّ به‌جا آوردن هیچ‌یک از
عبادات، به‌گونه‌ای که حق آن عبادت است، واقعاً در توان ما نیست.

هیچ کس به خویشتن، رَه نَبَرَد به سوی او / بلکه به پای او رَوَد، هر که رَوَد به کوی او

إن شاء الله باید با پای خود او، به کوی او برویم و این پایی است که خدا عنایت می‌کند. در
حدیث قرب نوافل خدای متعال فرمود: کسانی که واجباتشان را انجام می‌دهند؛ سپس نوافل و
مستحباتشان را هم انجام می‌دهند؛ به جایی می‌رسند که من خدا دوست‌دار آنها می‌شوم. بعد
من خدا چشم آنها می‌شوم که با آن چشم می‌بینند؛ گوش آنها می‌شوم که با آن می‌شنوند؛
دست آنها می‌شوم که با آن دست می‌گیرند؛ پای آنها می‌شوم که با آن راه می‌روند؛ همه‌ی
وجود آنها می‌شوم که با آن کار می‌کنند. با پای خدا می‌شود به کوی خدا رفت و راه پای
خدایی پیدا کردن، انجام فرایض و نوافل است.

بدون این که ما عظمت نماز را درک کنیم و به اقتضای آن عظمت، هنگامی که مشغول این
عمل عظیم می‌شویم؛ توجه خودمان را در این عبادت متمرکز کنیم؛ نمی‌شود به ارزش‌های
متعالی و قلّه‌های بلندی که نماز مسئولیت رساندن انسان به آنها را دارد؛ دست پیدا کرد.
نمازی که در آن، ظاهر انسان نماز می‌خواند؛ اما حواسش جای دیگری است؛ ظاهراً رو به قبله
کرده است؛ اما روی دلش به سمت کار و کسب و دنیا است؛ از این نماز چه انتظاری می‌رود؟
این نماز چه کار می‌تواند بکند؟

غم فِراقِ تو را با تو زار بگذارم

مرا غَرَضِ زِ نمازِ آن بود که یک ساعت

نشسته روی به محراب و دل به بازارم

و گرنه این چه نمازی بود که من بی تو

این چه نمازی است؟ «الْمُصَلِّي يُنَاجِي رَبَّهُ»^۱ نماز نجوای با خدا است؛ راز دل گفتن‌های عاشقانه‌ی با خدا است. این چه نمازی است که ظاهر ما نماز می‌خواند و حواسمان، دلمان، جای دیگری است؟

إِيَّاكَ نَعْبُدُ بِرِزْبَانِ دل در خیال این و آن

می‌گویی: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ»^۲؛ اما به چه فکر می‌کنی؟ به همان چیزی که فکر می‌کنی می‌گویی تنها تو را می‌پرستیم و تنها بنده‌ی توایم: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ». اگر آن موقع به پول فکر می‌کنی؛ به پول می‌گویی: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» ما تنها تو را می‌پرستیم. به پُست و مقامت فکر می‌کنی؟

إِيَّاكَ نَعْبُدُ بِرِزْبَانِ دل در خیال این و آن

کفر است اگر گویی یکی شرک است اگر گویی دو تا

اگر بگویی فقط یکی را می‌پرستم؛ همان پول را می‌پرستی؛ همان پست و مقام را می‌پرستی؛ همان نام و شهرت را می‌پرستی؛ همان لذت و شهوت را می‌پرستی.

امیدواریم خدای متعال به برکت اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام که حقیقت نمازند، توجه در نماز را نصیب ما کند. حقیقت نماز اهل‌بیت‌اند و نماز حقیقی نمازی است که اهل‌بیت علیهم‌السلام خواندند. لذا وقتی در زیارت آل یاسین به حضرت بقیة الله ارواحنا فداه سلام می‌دهید؛ حالات حضرت را در نماز در نظر می‌آورید و در همان حالات به حضرت سلام می‌دهید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي وَ تَقْنُتُ» یا بقیة الله؛ سلام بر تو هنگامی که نماز می‌گذاری و قنوت می‌خوانی. «السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرَكْعُ وَ تَسْجُدُ» سلام بر تو ای بقیة الله؛ هنگامی که به رکوع می‌روی و هنگامی که سر به سجده می‌گذاری. «السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَهَلَّلُ وَ تَكْبِّرُ» یا بقیة الله؛ سلام بر تو هنگامی که تهلیل و لا اله الا الله می‌گویی. سلام بر تو هنگامی که تکبیر و الله اکبر

^۱ مجلسی، بحار، ج ۶۸، ص ۲۱۵.

^۲ سوره‌ی حمد، آیه‌ی ۵.

می‌گویی. «السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُحَمِّدُ وَ تَسْتَغْفِرُ»^۳ سلام بر تو یا بقیة الله؛ هنگامی که حمد خدا را می‌گذاری و در پیشگاه پروردگار استغفار می‌کنی. حقیقت نماز، بقیة الله الأعظم ارواحنافداه است. نماز حقیقی هم نماز بقیة الله الأعظم ارواحنافداه است. لذا باید حقیقت نماز را از خود آن بزرگواران خواست و از آنان گدایی کرد. وقتی دستِ خالی و اضطرار و بی‌تابی ما را دیدند؛ با لطف و فضلشان و با رحمت و اسعهای که دارند؛ کاسه‌ی گدایی ما را خالی بر نمی‌گردانند و توفیق نماز حقیقی را نصیب ما می‌کنند؛ إن شاء الله.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

^۳. مجلسی، بحار، ج ۵۳، ص ۱۷۱.